

---

# واکاوی تحقق‌پذیری مفهوم فلسفی «امتداد» در موسیقی، با تأویل از تعبیر ابن سینا در باب امتداد

علی خاکسار\*

---

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۳

## چکیده

این پژوهش را می‌توان از جمله تحقیقاتی برشمارد که می‌کوشد مفاهیم ظریف و استوار فلسفی را در قلمرو هنر به گونه‌ای مستدل بکاود. لذا در این مقاله، مفهوم «امتداد» به‌عنوان یکی از مفاهیم تأمل‌برانگیز فلسفی، با تأویل از تعبیر خاص ابن سینا در باب امتداد، در خصوص موسیقی مورد واکاوی قرار گرفته، تا بدین پرسش بنیادین، پاسخ داده شود که آیا با مدنظر قرار دادن آن که موسیقی برخلاف دیگر هنرها از مواد خام تعینی برای ایجاد فرم استفاده ننموده و صرفاً با اصوات در پیوند بوده و با شنیدن ادراک می‌گردد، می‌توان برای آن امتدادی قائل بود؟ و اگر چنین است، این امتداد به چه مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی وابسته بوده و چگونه خود را در موسیقی می‌تواند متحقق سازد؟ در این راستا، این پژوهش با بکارگیری شیوه مدل‌سازی ذهنی و استفاده از روش تحقیق کیفی و به‌طور اخص، بررسی‌های تحلیلی از نوع تحلیل ساختارشناسانه و اساسی ساختاری به واکاوی مسأله مطروحه پرداخته است. بر این بنیان، نتایج این تحقیق بر آن اذعان دارد که در موسیقی به رغم فقدان صورت جسمیه قابل‌تعین، بر بنیان ادراکی شنیداری، طیفی از صورت‌های بالقوه امتداد، از مدلی خطی - تک بُعدی (امتداد افقی اصوات تک‌صدایی) تا مدلی خطی از دوبعدی (امتداد افقی اصوات چندصدایی)، و تا مدلی حلزونی - چندبُعدی (امتداد توأمان افقی و عمودی اصوات چندصدایی) قابل تحقق است.

**کلیدواژه‌ها:** موسیقی، امتداد، امتداد افقی، امتداد عمودی، مدل‌سازی، مدل خطی، مدل حلزونی

## مقدمه

پیش از آغاز کلام، شایسته است بر این نکته انگشت نهاده شود که در این نوشتار به هیچ روی مقصود، نه مطرح نمودن مباحث و مبانی غامض درباره موسیقی است و نه حتی در باب فلسفه، بل، جستاری است در باب کاویدن یکی از مفاهیم بنیادین، ظریف و عمیق فلسفی، یعنی «امتداد»<sup>۱</sup>، در باب موسیقی، به گونه‌ای که بتوان به درکی کلی از آن دست یافت.

اصولاً اذهان عموم، صورت جسمیه را دارای امتداد می‌دانند و بر اساس این پندار، عموماً برای اشیاء مادی و جسمانی امتداد قائلند. از این روی، مسئله‌ای که منشاء طرح این پژوهش گردیده است، آن است که با مد نظر قرار دادن این نگرش، و نیز با مفروض دانستن این که موسیقی ماهیتی غیرتعیینی دارد، و صرفاً به واسطه قوه سامعه ادراک می‌گردد؛ آیا می‌توان مفهوم امتداد را در خصوص آن تحقق‌پذیر دانست؟ و اگر چنین است، مفهوم امتداد موسیقایی را بر اساس چه مؤلفه‌ها و شاخصه‌هایی و چگونه می‌توان متصور شد؟ از این روی، در این مقاله در آغاز، به تعریف امتداد در ساحت‌های مختلف پرداخته شده و در گام بعد با بهره‌گیری از آراء برخی فیلسوفان در باب امتداد، مفاهیم و تعابیری چند ارائه گردیده است. در ادامه، بر بنیان شاخصه‌هایی که از این تعابیر، و به طور اخص از تعریف فیلسوف نامدار ایرانی، ابن سینا به دست داده شده است، به گونه‌ای موجز و دقیق، امتداد در موسیقی مورد مطالعه قرار گرفته است؛ تا از این رهگذر به پرسش بنیادین تحقیق پاسخ داده شود.

باید اذعان داشت که اساساً ردیابی و واکاوی امتداد در موسیقی به گونه‌ای غامض می‌نماید. چرا که موسیقی، نه همچون معماری و مجسمه‌سازی و هنرهایی از این دست است، که ماده خام در آن با قوانین و قاعده‌های خاصش به گونه‌ای سه بعدی ایجاد «شکل»<sup>۲</sup> نماید؛ و نه به‌سان دیگر هنرها از قبیل نقاشی از ساحت‌های مادی دو بعدی بهره می‌برد؛ و نه حتی نمایش چیزی یا شیئی را به گونه‌ای تعینی پیش می‌کشد. اما با این همه، بدان سبب که موسیقی به‌طور مجرد معنا نمی‌یابد، بی‌گمان در گونه‌ها و قالب‌های موسیقایی مشخص و خاصی

می‌تواند متبلور گردد، که واکاوی این موضوع، خود در وسعت بخشیدن به مباحث و نگره‌های میان‌رشته‌ای، و خاصه در این تحقیق، نگره فلسفی به موسیقی حائز اهمیت است. بر این بنیان، فرضیه این پژوهش بر این مدعاست که، از آنجا که موسیقی با دریافت توسط قوه سامعه در ذهن نقش بسته و ادراک می‌گردد، می‌توان امتدادی غیرتعیینی و البته قابل ادراک توسط ذهن برای آن قائل بود. امتدادی که اگرچه قابل تعین نیست، اما با ادراکی شنیداری در ذهن قابل تصور است؛ و بدان سبب که قابل تصور است، امتدادپذیر است. این امتداد از تداوم اصوات در گستره زمان خود را می‌آغازد و به گونه‌های مختلفی خود را می‌گستراند و در طیف‌های متنوع و متکثری خود را در می‌گنجاند.

## مفاهیم نظری تحقیق

مفهوم بنیادین این تحقیق همانا امتداد است. لذا با مقدماتی که اجمالاً ارائه گردید، در این مجال می‌بایست به تبیین معنا و مفهوم امتداد پرداخته شود، تا از این منظر، شاخصه‌های بنیادین امتداد مشخص گردیده و در گام بعد، بتوان آن را به موسیقی تعمیم داد.

امتداد در لغت، به معنای گسترش است. بدین معنا که اگر امتداد را در شیء در نظر بگیریم به معنی انبساط آن است و اگر منظور، امتداد راه باشد، به معنی طولانی بودن آن است و همچنین امتداد روز، به معنی کشیده شدن آن و در آب، معنی زیاد شدن آن را در ذهن مجسم می‌سازد، و همچنین است امتداد نظر که به معنای چشم انداختن به چیزیست (صلیبا، ۱۳۶۶: ۱۶۰). اگر بخواهیم از تعابیر اجمالی امتداد فراتر رویم، می‌توان آن را در تعابیر فلسفی جستجو نمود.

امتداد در فلسفه تعاریف متنوعی دارد و فیلسوفان برای آن تعابیر متعددی قائلند که به منظور تعمیق بحث، به پاره‌ای از آنها اشاره خواهد شد.

- ابن سینا امتداد را به معنای صورت جسمیه می‌داند. یعنی وجود جسم در مکان به نحوی که جسم در جزئی از مکان باشد. چنانکه در کتاب «اشارات» می‌گوید: «امتداد جسمانی مستلزم پایان‌پذیری و در نتیجه مستلزم شکل است» (ابن سینا، ۱۳۳۹: ۶۹)؛ و



امتداد. ولی ما اغلب امتداد را در مورد سطحی که مستقیماً بر جسم محیط باشد و یا به‌طور کلی در مورد سطح به‌کار می‌بریم. در نهایت، دکارت معتقد است که امتداد، همان خصوصیت بنیادینی است که ماده را قوام می‌بخشد و همانگونه که ماده‌ای بدون امتداد وجود ندارد، امتداد نیز بدون ماده وجود ندارد (همان).

«مالبرانش» نیز در فلسفه خویش به امتداد معقول اشاره می‌کند که آن عبارت است از مقداری که فاقد هرگونه کیفیت حسی باشد که موضوع علم جبر و تحلیل ریاضی است (صلیبا، ۱۳۷۰: ۵۱).

در این مقاله بر اساس آنچه که به اجمال اشاره شد، چارچوب نظری پژوهش بر مفهوم فلسفی «امتداد» و به‌طور مشخص، تعریف ابن سینا از مفهوم مذکور، و واکاوی تحقق‌پذیری آن در خصوص موسیقی استوار است. لذا در یک نگاه کلی، تحقیق حاضر دربارهٔ یک مفهوم فلسفی خاص، یعنی «امتداد» و مشخصاً در باب یکی از هنرها یعنی موسیقی مطرح شده است. بنابراین، در این تحقیق، با استفاده از روش تحقیق کیفی و به‌طور خاص تحلیل ساختارشناسانه و واسازی ساختاری به‌صورت توأمان، به تفسیر و تبیین مفهوم امتداد در این قلمرو پرداخته شده است. از سویی دیگر، اطلاعات در خصوص مفهوم امتداد از طریق مراجعه به اسناد کتابخانه‌ای و همچنین در خصوص آثار موسیقایی، از طریق تجربه‌های شنیداری و مشاهده توأم با مشارکت (تجربه زیسته) جمع‌آوری شده است. در نهایت به منظور تجزیه و تحلیل یافته‌های علمی تحقیق، از روش استقرایی استفاده شده است. در این روش برای وصول نتایج نهایی تحقیق، از کنار هم نهادن اطلاعات جزئی‌تر استفاده شده و در حقیقت از جزء به کل حرکت شده است.

در این تحقیق، به منظور اجتناب از پراکندگی بحث، و تعمیق بیشتر و در نتیجه دست یافتن به اهدافی مشخص‌تر، قلمروهای خاص و محدودی اتخاذ شده است. لذا از نقطه‌نظر مبحث انتخابی، اگر چه پیرامون یکی از شاخه‌های معرفتی تحت عنوان هنر کنکاش شده، اما در این نوشتار منحصرأً به یکی از شاخه‌های هنر، یعنی موسیقی پرداخته شده است. از سویی دیگر،

معنی این سخن آن است که، امتداد جسمانی، در جایی پایان می‌یابد و شیء متناهی و پایان‌پذیر، الزاماً دارای شکل خواهد بود. لذا می‌توان گفت امتداد جزئی از مکان و پایان‌پذیر است؛ اما مکان، نامتناهی است (صلیبا، ۱۳۷۰: ۵۱).

امتداد به معنی بُعد است. چنانکه ابن سینا در کتاب شفا گوید: «جسم بودن جسم، معلول امتدادهای سه‌گانه که در آن فرض می‌شود، نیست» (ابن سینا، ۱۳۶۳: ۵-۱) و مقصود از امتدادهای سه‌گانه، ابعاد سه‌گانه است. نیز در کتاب «نجات» گفته است: «جسم از این جهت که ابعاد سه‌گانه در آن بالفعل موجود است، جسم نیست» (ابن سینا، ۱۳۷۷: ۳۲۷)؛ چرا که، در پشت این امتداد چیز دیگری وجود دارد که این امتداد در آن است و امتداد نمی‌تواند قائم به خود باشد. این موضوع را با برخی از اجسام محسوس شکل‌دار - مثلاً گل - مقایسه کن. اگر شکلی مانند کُره، از آن ساخته شود، دارای طول و عرض و عمق خواهد بود. حال اگر شکل این کره به شکل دیگری مثلاً مکعب یا بیضی تبدیل شود، طول و عرض و عمق آن تغییر خواهد کرد و مقدار هر کدام غیر از آن خواهد شد که اکنون هست، در حالی که آن گل (که خمیر کُره بوده است) تغییر نکرده است. (صلیبا، ۱۳۶۶: ۱۶۰). و سخن «ابن طفیل» نیز در باب امتداد قابل تأمل است؛ که می‌گوید: «چیزی که مشترک بین تمام اجسام باشد، وجود ندارد، مگر امتداد، که به‌صورت ابعاد سه‌گانه، یعنی طول و عرض و عمق، در تمام اجسام موجود است» (همان).

- از نظر «دکارت»، امتداد برای جوهر جسم، امری ذاتی است، ولی شکلی خاص، ذات آن نیست و اندازه و شکل یک جسم قابل‌تغییر است (کاپلستون، ۱۳۸۰). اساساً دکارت میان امتداد و مکان فرق می‌گذارد و اذعان دارد: بین امتداد و مکان، درمقایسه با جسم فرقی نیست. جز اینکه امتداد (نسبت به جسم) خارجی و مکان، داخلی است. اگر حیّز را از این لحاظ که برای جسم، درونی است مورد نظر قرار دهیم، آنگاه این حیّز، مکان نام خواهد گرفت و اگر از این لحاظ بدان بنگریم که شکل خارجی جسم را تشکیل می‌دهد، امتداد نامیده می‌شود. بنابراین حیّز داخلی، مکان است و حیّز خارجی

از آنجا که بنیان نظری بحث، بر تعاریف فلسفی از امتداد استوار است، لذا به طور اعم از نظریات فلاسفه و بالاخص ابن سینا در تحلیل امتداد و در نتیجه تعمیم آن به موسیقی بهره برده شده است.

### بررسی شاخص‌های مفهوم امتداد در موسیقی

با بررسی تعاریف امتداد - که پیش از این ارائه گردید، درخواستیم یافت آنچه از این تعبیر و تعاریف برمی‌آید، متضمن آن است که امتداد با گسترش و انبساط در پیوند است. همچنین می‌تواند قابل‌تغییر و گونه‌گونی و حائز تکثر صوری باشد. از منظری دیگر، با مفروض دانستن تعبیر ابن سینا از امتداد، به معنای صورت جسمیه‌ای که جزئی از مکان بوده، پایان‌پذیر باشد و در نتیجه دارای شکل باشد (ابن سینا، ۱۳۳۹: ۶۹)، و با تأویل از این تعریف و تعمیم آن به موسیقی، لازم است در گام نخست مفهوم و مقوله «مکان» را در خصوص موسیقی بازتعریف نمود و در گام بعد، فضای موسیقایی را جزئی از مکان موسیقایی به حساب آورد و در نتیجه حائز امتداد دانست.

در تبیین مکان در موسیقی، می‌توان آن را شامل تمامی امکانات بالقوه‌ای از اصوات دانست که با خصوصیت نامتناهی و پایان‌ناپذیری، می‌توانند به‌عنوان مواد خام موسیقایی، بستری را برای شکل‌گیری هر گونه نظام صوتی در قالب فضاهای صوتی متنوع و متکثر فراهم آورند. براین بنیان، امتداد، که خود جزئی از مکان است، می‌تواند در یک قطعه موسیقایی که فرجام یافته و پایان پذیرفته و فرم مشخصی را از آن خود کرده، قابل‌تصور باشد. از منظری دیگر، خود امتداد، در تعاریف ارائه شده دارای بُعد است؛ که این ابعاد عبارت‌اند از طول، عرض و ارتفاع (عمق). حال، با مفروض دانستن این ابعاد به‌عنوان شاخصه‌های امتداد، بایستی به منظور تبیین امتداد در موسیقی، این شاخص‌ها را به موسیقی تعمیم داد تا بتوان امتداد را در این مقوله ترسیم نمود. در این راستا و در تحلیل واکاوی مفهوم ابعاد در فضای موسیقایی، باید بر این تکیه کرد که اصولاً موسیقی، بخشی از جهان صوتی، و هنری قلمداد می‌گردد که مبتنی بر نظام اصوات در قالب زمان است. از این روی، موسیقی را به

واسطه چهار ویژگی بنیادینی که داراست، می‌توان از سایر اصوات متمایز کرد. این ویژگی‌ها عبارتند از:

۱. نواک یا ارتفاع صوت<sup>۴</sup>، که منظور همان قرارگیری صداها و نغمات موسیقایی در سطوح مختلف زیر و بمی است.

۲. کشش یا مدت تداوم صوت<sup>۵</sup>، که در نهایت باعث ایجاد ریتم می‌گردد.

۳. دینامیک یا شدت صوت<sup>۶</sup>، که ضعیف یا قوی بودن اصوات را اشاره دارد.

۴. رنگ صوتی<sup>۷</sup> یا شیوش یا شخصیت صوتی، که این خصوصیت، همان شاخصه‌ای است که باعث تمیز و بازشناختن صدای سازهای مختلف می‌گردد (نک. منصور، ۱۳۷۹).

### واکاوی مفهوم امتداد در موسیقی

در نگاهی دقیق به مؤلفه‌ها و شاخص‌های برساننده امتداد در موسیقی، درخواستیم یافت که مؤلفه‌های ۳ و ۴ به گونه‌ای مستقیم به مؤلفه‌های ۱ و ۲ وابسته‌اند و در صورت فقدان مؤلفه‌های ۱ و ۲، سایر مؤلفه‌ها تحقق نمی‌یابند. همچنین در میان دو مؤلفه نخست نیز آنچه مهم‌تر از دیگری است، همانا مؤلفه ۱ است. چرا که هسته اولیه ظهور امتداد در موسیقی به‌طور مستقیم به این مؤلفه وابسته است. زیرا مادامی که صوتی وجود نداشته باشد، امکان تصور کشش و تداوم آن صوت نیز امکان‌پذیر نخواهد بود.

بر این اساس، مؤلفه ۱ و ۲ که به‌طور مبنایی بر ساخته از دو عنصر بنیادین «فضا» و «زمان» است، به‌عنوان سنگ اولیه بنای یک موسیقی در خور توجه است؛ و تحت عنوان مؤلفه فضایی-صوتی، و زمانی-وزنی صورت‌بندی می‌شوند (Touma, 2003: 38) و امتزاج این دو با یکدیگر موجب شکل‌گیری کلیت یک قطعه و فضای موسیقایی خواهد شد. در واقع «مؤلفه نخست، معطوف به فضای صوتی حاصل از امتزاج گروهی از اصوات با ساختاری ویژه از لحاظ ابعاد و روابط میان آنها است؛ در حالی که مؤلفه دوم حاکی از چگونگی قرار گرفتن اصوات در بستر زمان است» (اسعدی، ۱۳۸۵: ۲۹؛ و نک. مسعودیه، ۱۳۸۳: ۳۱).



نت‌هایی با زیر و بم و الگوهای ریتمیک مشابه داشته باشند که این تشابه به انسجام و یکپارچگی ملودی کمک می‌کند. از طرفی، عبارت‌های متضاد هم می‌توانند سبب تنوع در سیر ملودی شوند (کیمی، ین، ۱۳۸۰: ۹۷). می‌توان گفت «جمله» در موسیقی، قابل مقایسه با مصرع‌های یک شعر است و همانند یک جمله دستوری، به عنوان یک واحد موسیقایی معمولاً خواهان «جمله» دیگری به دنبال خود می‌باشد، که در این حالت ملحق شدن دو جمله موسیقایی با یکدیگر، واحدی بزرگتر را تحت عنوان «دوره»<sup>۱۱</sup> ایجاد می‌کند (پیستون، ۱۳۷۷: ۹۶).

در اینجا می‌توان بر بنیان تعریف امتداد و ابعاد آن، بعد طولی و افقی را به‌عنوان یکی از ابعاد و شاخصه‌های امتداد در موسیقی باز یافت، و آن را تسلسلی از اصوات موسیقایی، دانست که در قالب دو مؤلفه فضایی-صوتی و زمانی-وزنی پشت سر هم و از پی هم می‌آیند. بنابراین با نگاهی اجمالی، در خواهیم یافت که با انباشت چند صوت در قالب عبارت موسیقایی فضای موسیقایی امتداد می‌یابد. عبارت موسیقایی، با امتداد یافتن در قطعه موسیقایی، واحدی بزرگتر تحت عنوان جمله موسیقایی و متعاقب آن، جملات موسیقایی نیز با مضاعف شدن، و با امتداد یافتن، باعث شکل‌گیری واحدی بزرگتر یعنی دوره می‌گردد. در نهایت امتداد این واحدها در کنار یکدیگر، زنجیره‌ای از صداهای پیاپی را می‌سازند که در مجموع، باعث شکل‌گیری تم‌ها و ملودی‌ها در سراسر قطعه می‌شوند و کلیتی شنیداری، قابل تصور و در خور تشخیص را رقم می‌زنند. این ملودی‌ها و تم‌ها به گونه‌های متنوع و مختلفی امتداد می‌یابند، پیش می‌روند، پایان می‌یابند و دارای جهت، شکل و پیوستگی‌اند (همان)؛ و در عین حال، با بسط و گسترش خود در طول قطعه، در نهایت، کلیت یک قطعه و فضای موسیقایی را برمی‌سازند. البته لازم به توضیح است که این شیوه نامیدن اصوات و سیر توالی و انباشتگی آنها، به طور اعم مربوط به اصول و مبانی موسیقی کلاسیک است که به عنوان تعاریفی مشترک میان بسیاری از ملل در مواجهه با موسیقی به کار برده می‌شود. این در حالی است که به‌رغم طرح کلی انباشت و تداوم اصوات، ممکن

در واکاوی این مؤلفه‌ها باید گفت، مؤلفه<sup>۱</sup>، موسوم به مؤلفه فضایی-صوتی، مهم‌ترین عامل آغاز شکل‌گیری و ایجاد یک فضای موسیقایی محسوب می‌گردد. این مؤلفه، در ابتدایی‌ترین حالت خود، یک «صوت»<sup>۱۲</sup> را شامل می‌شود؛ که می‌توان آن را کوچک‌ترین واحد در ساختار هر ملودی دانست. تا این مرحله امتداد متحقق نشده است. آن‌سان که صوت دومی به صوت نخست افزوده می‌گردد، مؤلفه<sup>۲</sup>، که همانا مؤلفه زمانی ریتمیک باشد، بروز می‌کند و با کششی که از نظر زمانی در اصوات موسیقایی ایجاد می‌شود، قطعه یا اثر موسیقایی بسط می‌یابد. در این مرحله، که می‌توان آن را به صورت نخستین مرحله امتداد موسیقایی متصور شد، با افزوده شدن صوت‌های دیگر، یا به تعبیر موسیقایی، نت‌های همنام و غیرهمنام دیگر به این خط سیر، چه به صورت یک ملودی بالارونده و چه در قالب یک ملودی پایین رونده، موسیقی به صورت خطی، تک‌بعدی و افقی امتداد می‌یابد.

در مرحله دوم، که ادامه روند پیشین است، با انباشت و افزوده شدن نغمات دیگر، و به تعبیری دقیق‌تر، چند نغمه یا نت که معمولاً از سه تا هشت نت را شامل می‌شود، و گسترش یافتن اصوات موسیقایی، یک «عبارت»<sup>۱۳</sup> موسیقایی شکل می‌گیرد، که خود، کوچکترین قسمت از یک قطعه موسیقی به شمار می‌آید؛ و عموماً بر اساس یک الگوی ریتمیک شاخص، کنار هم قرار می‌گیرند. عبارت موسیقایی «در حقیقت، واحدی است تماتیک که می‌تواند ملودیک، ریتمیک، و یا ترکیبی از آنها باشد؛ و در حقیقت، عنصری است تکرار شونده و تغییرپذیر. و از این رو تماتیک نامیده می‌شود، که همواره بازآی و آشناست» (پیستون، ۱۳۷۷: ۹۳).

یک عبارت موسیقایی در عین حال، حکم آجرهای یک بنای موسیقایی را دارد که به گونه‌های مختلف در ساختار قطعه تکرار و تنوع می‌یابد و در نهایت با گسترش خود در ساختار ملودی، باعث شکل‌گیری واحدی بزرگ‌تر تحت عنوان «جمله»<sup>۱۴</sup> می‌گردد؛ که معمولاً بین چهار تا هشت میزان است و در آن، ایده‌های موسیقایی بسط و گسترش می‌یابند. این جمله‌ها ممکن است



تصویر ۱: قسمتی از سمفونی شماره ۳، از یوهانس برامس.



تصویر ۲: مُدل خطی-تک‌بُعدی (امتداد افقی اصوات تک‌صدایی)

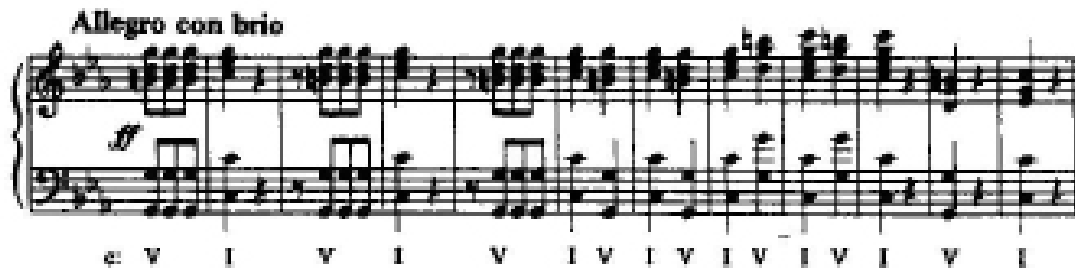
وصلشان به یکدیگر، به قصد ساختن و پرداختن و به هم بافتن ملودی‌های زیبا، با توجه به چگونگی تونالیتته و نیز بافت‌های ناشی از ریتم‌های گوناگون که از وصل آکوردها ناشی می‌شوند» (منصوری، ۱۳۷۸). البته باید خاطر نشان کرد که یک ملودی ممکن است به چندین شیوه که همگی از نظر موسیقایی رضایت‌بخش هستند، هارمونیزه شوند و به گونه‌های مختلف و متنوعی به گونه‌ای افقی و عرضی امتداد یابند. در اینجا می‌توان یک بعد دیگر از ابعاد امتداد، یعنی بعد عرضی را در موسیقی باز یافت. بنابراین چند صدایی کردن ملودی، خود یکی از طرق بنیادین امتداد دادن عرضی یک قطعه موسیقایی محسوب می‌گردد، که بر بنیان تحقق بعد عرضی امتداد در موسیقی، در نهایت باعث پیدایی و خلق یک قطعه موسیقایی چند صدایی از نوع هموفونیک<sup>۱۳</sup> می‌گردد و در این حالت، مُدلی خطی-دو بُعدی را ایجاد کرده که امتداد اصوات در آن به صورت افقی، عرضی و چند صدایی است.

در کنار گسترش و امتداد افقی و عرضی، یعنی آن‌سان که یک فضای موسیقایی در فضایی افقی بر بستر زمان با انباشته شدن نغمات به صورت عرضی بر هم امتداد می‌یابد، و با نواخته شدن همزمان اصوات و نغمات، گسترش و امتدادی دو بُعدی می‌یابد، در گامی دیگر به جهت به کارگیری تمام پتانسیل‌های بالقوه فضای موسیقایی جهت تحقق امتدادی افزون‌تر، می‌توان

است با توجه به اصول و بنیان‌های نظری موسیقی سایر اقوام، از نامگذاری‌های مختلفی استفاده گردد.

تا این مرحله، امتداد در یک بافت موسیقایی تک‌صدایی<sup>۱۲</sup> مورد ملاحظه قرار گرفته است، و بر اساس تحقق بعد طولی و افقی در آن، مُدلی خطی-تک‌بُعدی را برای امتداد اصوات می‌توان قائل بود که در آن، امتداد اصوات، به صورت افقی و تک‌صدایی حاصل شده است. در صورتی که یک قطعه موسیقایی می‌تواند به گونه‌های دیگری، گسترش و امتداد یابد. یکی از شاخصه‌ها و پتانسیل‌های بالقوه موسیقی، امکان چینش و امتزاج چند صدایی اصوات در آن است که می‌تواند در کنار امتداد طولی و خطی اصوات، یعنی حرکت اصوات به صورت افقی، امتدادی عمودی و عمقی نیز در آن ایجاد نماید؛ یعنی حرکت از رأس و نقطه مبدأ به جلو، به همراه گسترش عرضی و عمقی فضای صوتی.

بنابراین، زمانی که با استفاده از قوانین و اصول هماهنگ‌تباری اصوات، گستره‌ای از اصوات به‌طور هم‌زمان با هم ایجاد می‌شوند، اصوات خود را به گونه‌ای عمودی و عرضی گسترش و امتداد می‌دهند. در این حالت به جای نواختن یک نت، از آمیزه‌ای از چند صدای موسیقایی به‌طور هم‌زمان استفاده می‌شود، که باعث شکل‌گیری آکورد می‌شود. «در حقیقت، هارمونی را می‌توان روش و دانشی به شمار آورد برای چندبخشی کردن موسیقی، بر پایه خصوصیات آکوردها و شایستگی



تصویر ۳: قسمتی از سمفونی شماره ۵، از لودویگ وان بتهوون.



تصویر ۴: مُدل خطی-دوخطی (امتداد افقی اصوات چندصدایی)

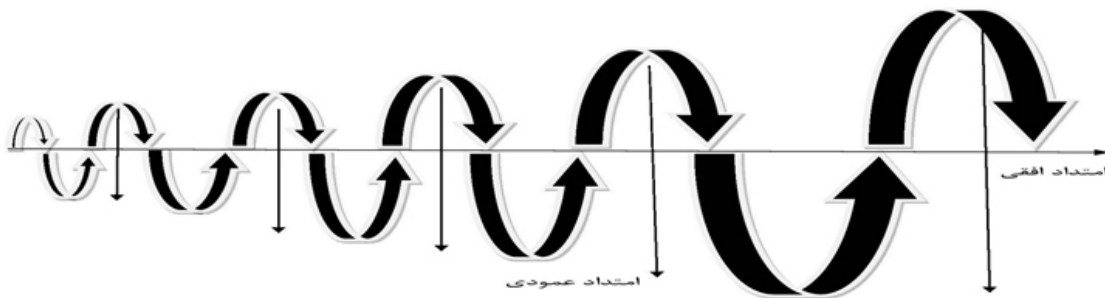
چه به صورت افقی و چه به صورت عمودی استفاده است. در این حالت، در قالب مُدلی حلزونی چندبُعدی، امتداد توأمان افقی و عمودی اصوات چندصدایی تحقق می‌یابد.

در تبیین مقوله امتداد در موسیقی، باید خاطر نشان نمود که به طور مبنایی، امتداد در موسیقی به‌طور نظری و بالقوه می‌تواند بر مبنای اصوات به‌عنوان مواد خام برساننده موسیقی انجام پذیرد. بر این اساس اگر چه می‌توان یک چارچوب کلی را از بهر امکان‌ها و پتانسیل‌های بالقوه مختلف گسترش و امتداد اصوات را در قالب امتداد تک‌صدایی افقی اصوات، گسترش چندصدایی عمودی اصوات و نهایتاً امتداد چندصدایی افقی اصوات در ذهن متصور ساخت؛ اما نحوه و چگونگی امتداد اصوات موسیقایی در قالب مدل‌های فوق، بر اساس قوانین و اصول موسیقایی هر فرهنگی، به‌گونه‌ای خاص به ظهور می‌رسد. بدین معنا که هر فرهنگی بر اساس بینش و معیارهای زیبایی‌شناسانه خاصی که داراست، ساماندهی ویژه‌ای را در خصوص اصوات و در

با درآمیختن و تلفیق همزمان خط‌های ملودیک، آمیزه‌ای با معنا و موسیقایی ایجاد نمود که امتدادی عمقی و چندبعدی را بر می‌سازد. در این بافت موسیقایی، که در علم آهنگسازی با عنوان بافت کنترپوانی از آن یاد می‌شود، چندین خط ملودیک از نظر نمود موسیقایی و عمدتاً توسط سازهای مختلف به رقابت می‌پردازند (کیمی ین، ۱۳۸۰)، بر این بنیان، در این حالت با استفاده از اصول و قوانین کنترپوان<sup>۱۴</sup>، بافتی چندصدایی از نوع پلی‌فونیک<sup>۱۵</sup> یا هموفونیک نمایان می‌گردد، که این بافت، با تحقق سومین بعد امتداد یعنی بعد عمقی، به موسیقی امتدادی غیرقابل وصف می‌بخشد، که می‌توان از این منظر برای آن امتدادی عمودی و عمقی قائل شد؛ به گونه‌ای که این فرم از امتداد را می‌توان با پرسپکتیو در نقاشی مقایسه نمود. در این مرحله و با شکل‌گیری یک قطعه موسیقایی، امتدادی بی‌نظیر بر بنیان ابعاد سه‌گانه امتداد در قطعه موسیقی ایجاد می‌گردد که به ایجاد و خلق تام و تمام فضایی موسیقایی می‌انجامد که از قابلیت‌های خاص خود در امتداد اصوات



تصویر ۵: قسمتی از انونسیون سه صدایی شماره ۳، از یوهان سباستیان باخ.



تصویر ۶: مُدل حلزونی-چندبُعدی (امتداد توأمان افقی و عمودی اصوات چندصدایی).

### نتیجه‌گیری

به‌عنوان جمع‌بندی و نتیجه‌گیری غایی بحث، باید اذعان داشت اگرچه موسیقی، به‌رغم هنرهای دیگر از مواد خام قابل تعین و قابل لمس به منظور ایجاد فرم استفاده ننموده است؛ اما این خصوصیت، امکان وجود امتداد را در موسیقی منتفی نمی‌دارد؛ بل امتداد را می‌توان به گونه‌ای غیرتعینی و اما شنیداری و قابل ادراک توسط قوه‌ی سامعه، در ذهن متصور شد. بر این بنیان، می‌توان گفت، امتداد در موسیقی به‌طور مشخص به واسطه‌ی دو مؤلفه «فضایی» «صوتی»، و «زمانی-ریتمیک» قابل تشخیص است؛ که این دو، در گام نخست، امتداد افقی اصوات را بر بنیان تحقق بُعد طولی امتداد حاصل می‌نمایند. در مرحله‌ی بعد با هارمونیزه شدن ملودی‌ها و شکل‌گیری بافت چندصدایی مبتنی بر اصول و قوانین هماهنگ‌تباری اصوات، در عین دارا بودن

نهایت، شکل‌دهی یک قطعه و فضای موسیقایی اتخاذ می‌کند که الزاماً قابل تعمیم به سایر فرهنگ‌ها نیست. در همین راستا، به تعبیر اتنوموزیکولوگ برجسته‌ی معاصر، برونو نتل، در هر موسیقی‌ای نوعی ویژگی‌های مرکزی وجود دارد که از اهمیت افزون‌تری نسبت به ویژگی‌های دیگر برخوردارند (Nettl, 1985). لذا با مد نظر قرار دادن این نکته که در هر فرهنگ موسیقایی، تأثیرگذاری خصوصیات مرکزی بر نحوه‌ی امتداد اصوات غیرقابل‌کتمان است، از این روی، به‌رغم کلیت تقریباً همسان حرکت و امتداد اصوات و انباشت افقی و عمودی آنها، و البته با تکنیک‌ها و شیوه‌های نظری و عملی خاص و گاه متفاوت، نمی‌توان یک قانون کلی را شامل جزئیات حرکت و امتداد اصوات موسیقایی به گونه‌ای یکسان، به همه‌ی فرهنگ‌های موسیقایی تعمیم داد؛ گرچه در یک قالب کلی از روند امتداد اصوات قابل تعمیم است.



### کتابنامه

- ابن سینا، ابوعلی حسین بن عبدالله. (۱۳۳۹)، *التنبيهات و الاشارات*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ابن سینا، ابوعلی حسین بن عبدالله. (۱۳۶۳)، *روان‌شناسی شفا*، ترجمه اکبر دانا سرشت، چاپخانه سپهر، تهران.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۷)، *الهیات نجات*، تهران: نشر فکر روز.
- اسعدی، هومان. (۱۳۸۵)، «مفهوم و ساختار دستگاه در موسیقی کلاسیک ایران، بررسی تطبیقی ردیف». رسالهٔ دکتری در رشتهٔ پژوهش هنر. دانشکدهٔ هنر، دانشگاه تربیت مدرس. استاد راهنما: دکتر داریوش صفوت. استادان مشاور: دکتر رابرت استیون بلام، حسین علیزاده.
- پیستون، والتر. (۱۳۷۷)، *هارمونی*، ترجمهٔ سیاوش بیضایی، تهران: انتشارات رودکی.
- صلیبا، جمیل. (۱۳۶۶)، *فرهنگ فلسفی*، ترجمهٔ منوچهر صانعی دره‌بیدی، تهران: انتشارات حکمت.
- صلیبا، جمیل. (۱۳۷۰)، *واژه‌نامه فلسفه و علوم اجتماعی*، ترجمهٔ کاظم برگ‌نیسی، صادق سجادی. چاپخانه حیدری. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کاپلستون، فردریک. (۱۳۸۰)، *تاریخ فلسفه*، از دکارت تا لایب‌نیتس (جلد چهارم). ترجمهٔ غلامرضا اعوانی. تهران: انتشارات سروش.
- کیمی، ین، راجر. (۱۳۸۰)، *درک و دریافت موسیقی*. ترجمهٔ حسین یاسینی، تهران: نشر چشمه.
- مسعودیه، محمدتقی. (۱۳۸۳)، *مبانی اتنوموزیکولوژی (موسیقی‌شناسی تطبیقی)*، تهران: انتشارات سروش.
- منصوری، پرویز. (۱۳۷۹)، *تئوری بنیادی موسیقی*، تهران: نشر کارنامه.
- منصوری، پرویز. (۱۳۷۸)، *هارمونی تحلیلی*، تهران: چاپخانه مشعل.
- Nettl, Bruno (1985), *The Western Impact on World Music. Change, Adaptation and Survival*, New York: Schirmer Books.
- Touma, Habib Hassan. (2003). *The Music of Arabs*. New Expanded edition, translated by Laurie Schwarts. Portland and Cambridge: Amadeus Press.

امتداد طولی، بعد عرضی اصوات نیز در امتداد تحقق می‌یابد. و درگام پسین، با آمیختن و تلفیق خط‌های ملودیک همزمان در قالب بافت موسیقایی، بُعد ارتفاع به مثابه بُعد دیگری از امتداد را در قالب امتدادی عمقی می‌توان در فضای موسیقایی بازجست. بر این اساس در موسیقی به‌طور بالقوه هم امتداد افقی و هم امتداد عمودی اصوات قابل ادراک است؛ و از این روی، می‌توان به صورت یک پیوستار، از مدلی خطی تا مدلی حلزونی را به‌عنوان مدل‌های بالقوهٔ امتدادی در موسیقی، و البته با مد نظر قرار دادن تنوع و تکثر صورت‌های امتدادی حاصله در خصوص هر گونه از موسیقی، قابل تحقق دانست.

### پی‌نوشت‌ها

1. Extension
  2. Case Study
  3. Form
  4. Pitch
  5. Duration
  6. Dynamics
  7. Tone Color
  8. Tone
  9. Motif / Motive
  10. Phrase
  11. Period
۱۲. Monophonic؛ به معنای بافت تک‌صدایی، و به بافتی گفته می‌شود که از یک خط ملودی تنها و بدون همراهی تشکیل شده است.
۱۳. Homophonic: هنگامی که یک ملودی اصلی را که با آکوردهایی همراه می‌شود می‌شنویم، بافت موسیقی را می‌توان هموفونیک به حساب آورد (کیمی ین، ۱۳۸۰: ۱۱۹-۱۱۷).
14. Counterpoint
۱۵. Polyphonic: اجرای همزمان دو یا چند خط ملودیک که اهمیت و جذابیتی کم و بیش یکسان داشته باشند بافتی را پدید می‌آورد که پلی‌فونیک نامیده می‌شود (همان).